

مدل خطمشی گذاری حکومت اسلامی:
تصویرپردازی از اتوپیای (آرمان شهر) حکومت واحد جهانی موعود

رحمان غفاری^۱

چکیده

«خطمشی»ها در واقع ترسیم کننده چهره حکومت‌ها هستند و به شدت تحت تأثیر شکل و ماهیت حکومت‌ها قرار دارند. مسئله اصلی این پژوهش «وجود تباین بین خطمشی‌های فعلی در کشورهای اسلامی با الگوی آرمانی اسلامی آن‌ها» است. رویکرد روش‌شناسی این پژوهش «ترکیبی» است و برای جمع‌آوری داده‌ها در فاز نخست (کیفی) پس از مطالعه ادبیات روایی و دینی با هیجده نفر از صاحب‌نظران خطمشی‌گذاری و حوزه تخصصی مهدویت مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته و با استفاده از تکنیک نظریه داده‌بنیاد مدل پارادایمی پژوهش استخراج شده است. مقوله محوری مدل پارادایمی، خطمشی‌گذاری مهدوی است. نتایج نشان می‌دهد خطمشی‌های توحیدی، خردسالارانه، کمال‌گرا و عدالت‌بنیان، جزء مقوله‌های محوری بوده و پیامدهایی، نظیر رضایت خدا و امت، رفاه و امنیت و عصرطلایی زندگی از نتایج این مدل است. همچنین حکومت واحد جهانی، وحدت ملل، مشروعیت الهی و مقبولیت عامه و امت بالغ، از عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر راهبردها هستند. همچنین نتایج گویای تأیید و برآزش مناسب مدل ارائه شده است. پرداختن به بحث خطمشی‌گذاری، با توجه به اقتضائات عصر ظهور از جنبه‌های دانش‌افزایی این پژوهش است.

واژگان کلیدی: خطمشی‌گذاری مهدوی، خطمشی‌های توحیدی، خطمشی‌های کمال‌گرا، خطمشی‌های عدالت‌بنیان، خطمشی‌های خردسالار.

چنان که تصویرپردازی فعال از آینده جهان، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای توسعه‌یافته است؛ تشکیل حکومت واحد اسلامی نیز، از اهداف بنیادین مکتب اسلامی و شاه‌کلید تشکیل تمدن اسلامی، دولت اسلامی خواهد بود. مؤلفه محرکه دولت اسلامی نیز، خطمشی‌گذاری و حکمرانی دینی است. بر اساس آیات قرآن (نور: ۵۵)؛ قصص: ۵ انبیاء: ۱۰۵ و روایات معتبر و موثق شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۱۷۷؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۳۴۰ و (نهج‌البلاغه، خ ۹۱)؛ دستاور دولت جهانی و خطمشی‌گذاری دینی، امنیت، رفاه و عدالت برای امت واحد خواهد بود.

تصویرهای آینده که از طریق ایده‌ها در ذهن ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌گیرند، در شکل بخشیدن به آینده جهان، دارای نقشی اساسی‌اند. این تصویرها به گرایش‌ها و تمایلات ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌دهند و سرانجام بر اقدامات آن‌ها در جهت شکل بخشیدن به آینده تأثیر می‌گذارند. دقیقاً به همین دلیل است که از آینده‌پژوهی به دانش خلق ایده‌های آینده‌محور به‌عنوان ابزار «هدایت اجتماعی» تعبیر می‌شود (کوسا، ۲۰۱۰: ص ۲). کارکرد اصلی این علم در سطح جهانی، تصویرسازی از آینده جهان است که ابزار اصلی مدیریت بر آینده جهان محسوب می‌شود. صاحب‌نظران معتقدند نقش و اهمیت دین و معنویت در سبک‌های حکمرانی و خطمشی‌گذاری، امروز از یک دهه گذشته به مراتب بیش‌تر است (شرکات و همکاران، ۲۰۱۰: ص ۱۶۷). مهم‌ترین عنصر آینده‌ساز در کشورهای معتقد به مهدویت نیز، «اعتقادات مذهبی و دینی» انسان‌ها است که در فرهنگ جوامع گوناگون دارای ریشه عمیقی است و به اعتقاد برخی محققان تا سی سال آینده از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر آینده جهان محسوب خواهد شد (نینا، ۱۹۸۵: ص ۲۴؛ بینبریج، ۲۰۰۴: ص ۱۰۰۹ و تیلور، ۲۰۰۴: ص ۹۹۱). همچنین یافته‌های محققان گویای ارتباط شفاف و نزدیک بین خطمشی‌گذاری و حکمرانی دینی و ساخت اجتماعی یک تمدن بزرگ است (فوکس، ۲۰۱۰: ص ۵۲۲). امروزه اهمیت و نقش بسیار فزاینده اعتقادات دینی در آینده‌پژوهشی و تصویرپردازی بر کسی پوشیده نیست؛ به‌طوری‌که تلاش می‌شود نقش دین در گرایش به آینده طی احکامی به سمت واقع‌نگرتر شدن پیش رود (تان، ۲۰۰۴: ص ۱۰۲۴). «خردورزی» از عوامل حیاتی موفقیت در ساخت آینده است (پورعزت، ۱۳۸۹: ص ۱۱). برای مبنای کشوری در آینده موفق‌تر است که بهتر بتواند ظرفیت خردورزی عموم را ارتقا دهد و آن را فعالانه برای اصلاح

امور خود به کار گیرد. آینده آزمون ارزش‌های ماست و ما از طریق تفکر درباره آینده، در ارزش‌هایمان تجدیدنظر می‌کنیم (لامبارو^۱، ۲۰۰۶: ص ۵۶). این مهم تحت تأثیر موقعیت و تاریخ و گذشته ما قرار می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۳: ص ۲-۳). خطمشی‌ها نشان دهنده جهت‌گیری‌های بنیادین دولت‌ها در عمل هستند. همچنین خطمشی‌گذاری، اساسی‌ترین جلوه وجودی حکومت‌ها در عرصه تصمیم‌گیری و اجرا محسوب می‌شوند. به دلیل دامنه فراگیر تصمیم‌ها و خطمشی‌ها، هر اندازه این مهم با فطرت انسانی و پویایی‌های محیط سازگارتر باشد، کارآمدی و اثربخشی آن برای اداره امور عمومی در حکومت‌های اسلامی بیش‌تر خواهد بود. مدل‌ها و نظریه‌های مختلفی از ادبیات گذشته وجود دارد. این‌که می‌توان عیناً از این مدل‌ها و چارچوب‌ها در خطمشی‌گذاری حکومت‌های دینی و اسلامی (که یکی از ارکان آن‌ها، پایبندی به آموزه‌های اصیل وحیانی است) استفاده کرد؛ مسئله اصلی و ضرورت این تحقیق است. همچنین دستیابی به یک کهن‌الگوی سرآمد که بتوانیم به آن استناد کنیم و خطمشی‌های خود را با آن انطباق دهیم، از اهمیت بالایی برخوردار است. نوآوری این پژوهش نیز آن است که در عرصه خطمشی‌های دینی، با توجه به تصاویر روایی موجود ورود کرده است و می‌تواند مبنایی ایجاد کند تا از طریق آن بتوان معیارهایی برای خطمشی مطلوب تنظیم کرد تا در جهت حرکت به سمت حکومت اتوپیایی موعود گام‌هایی برداشته شود. حکومت اسلامی حکومتی است واحد که طبعاً تمام کشورها محاط در آن خواهند بود و کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی، به سمت استقرار این حکومت حرکت خواهند کرد. هدف این پژوهش دستیابی به مدل نظری خطمشی‌گذاری در حکومت اسلامی و معتقد به مهدویت است که اهداف بالا را از طریق آن دنبال کنیم.

ادبیات نظری

۱. خطمشی‌گذاری

مطالعات «خطمشی‌گذاری» دارای پیشینه طولانی و گذشته کوتاه مدتی است؛ بدین معنا که قرن‌ها است اقدامات دولت‌ها، مرکز توجه بسیاری از آزمایش‌ها بوده است؛ اما تحلیل سیستماتیک آن‌ها با استفاده از چارچوب ساختاری علوم سیاسی به کم‌تر از ۶۰ سال قبل بر



می‌گردد (هاولت، رامش و پرل، ۲۰۰۹: ص ۱). «خطامشی عمومی» عبارت است از چیزی که دولت‌ها تصمیم دارند انجام دهند یا انجام ندهند (دای، ۲۰۱۳: ص ۳). خطامشی عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود؛ اما خطامشی صرفاً اتخاذ تصمیم نیست، بلکه فرآیندی است شامل تمام اقدامات که از زمان احساس مشکل شروع می‌شود و به ارزیابی نتایج اجرای خطامشی ختم می‌گردد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۲). ویلیام جنکینز (۱۹۷۸) در تعریف خطامشی به چند نکته مهم اشاره دارد. جنکینز خطامشی را این گونه تعریف کرده است: مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در شرایط مشخص؛ به شرط آن که این تصمیمات قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشند (جنکینز، ۱۹۷۸: ص ۶).

او خطامشی‌گذاری را عملی با حضور جمعی از بازیگران می‌داند، نه یک تصمیم انفرادی. خطامشی‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی‌کننده اقدامات دولت در ادارهٔ درست امور عمومی است. در رویکردی که به خطامشی‌گذاری عمومی می‌پردازد، به ساختار یا رفتار بازیگران سیاسی یا آنچه دولت‌ها باید یا مجبورند انجام دهند؛ توجه چندانی نمی‌شود، بلکه کانون اصلی آن به موضوعی معطوف است که دولت‌ها واقعاً انجام می‌دهند (الوانی، ۱۳۸۷: ص ۱۹-۲۰). متفکران اولیه این رویکرد، آن را «علم خطامشی» نامیدند. به اعتقاد هاولت و همکاران (۲۰۰۹) در بسیاری از تعاریف خطامشی‌گذاری، تلاش بر این است که محققان، این ایده را القا کنند که خطامشی‌گذاری، فرآیندی فنی - سیاسی است که از تعیین و انطباق اهداف و ابزارهای موجود در میان فعالان اجتماعی شکل می‌گیرد (هاولت، رامش و پرل، ۲۰۰۹: ص ۴-۷). نویسندگان مدیریت و علوم سیاسی، خطامشی عمومی را به گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند؛ اما به طور کلی می‌توان گفت: خطامشی عمومی، تصمیم دولت یا حکومت در مواجهه با یک موضوع، چالش یا یک مسئله‌ای عمومی است. همان‌طور که هدف‌ها، نتایج مورد انتظار را مشخص می‌کنند و برنامه‌ها، راه رسیدن به آن‌ها را روشن می‌سازند؛ خطامشی‌ها راهنمای عملند و اولویت‌ها، بایدها و نیایدها را معین می‌کنند. خطامشی عمومی همچنین نشان دهنده خطوط کلی در فعالیت‌ها و اقدامات بخش عمومی است (الوانی، ۱۳۸۷؛ الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳ و تسلیمی، ۱۳۹۲؛ هاولت، رامش و پرل، ۲۰۰۹؛ گیورگیان و ربیعی، ۱۳۸۱ و قلیپور و غلامپور، ۱۳۸۹).

«خطمشی‌گذاری مهدوی» را می‌توان چنین تعریف کرد:

خطمشی‌گذاری مهدوی فرایند آمایش مسائل اساسی و عمومی امت واحد، تدوین خطمشی‌های مشروع و سعادت‌بخش بر اساس حکمت عملی و خردسالاری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، اخلاق و مشارکت‌اجتماعی است و به واسطه کارگزاری که اجتهاد مدیریتی دارند؛ اجرا و ارزیابی می‌شود.

در این تعریف، چند نکته حائز اهمیت است: اولاً، خطمشی‌گذاری با مطالعه مشکلات و جستار دقیق بر مسائل فطری و حیات طبیعی «امت واحد» آغاز می‌شود. این مسائل از طریق مشارکت عامه، علم امام معصوم، خردمندی کارگزاران و روش‌های دیگر، قابل احصا و تبیین خواهد بود؛ ثانیاً، خطمشی‌های وضع شده، تماماً مشروعیت الهی دارند؛ زیرا از ناحیه امام معصوم کنترل و هدایت می‌شوند. امت، تنها مقبولیت آن را مشخص می‌کند و همچون عبد مؤمن به اجرای آن رضایت می‌دهد. این خطمشی‌ها، توحیدی است و با هدف افزایش سطح رفاه و سعادت‌بخشی امت واحد وضع می‌شوند؛ سعادت‌ی که هم زندگی دنیوی آن‌ها را با کمال و سرخوشی همراه می‌سازد و هم حیات اخروی شان را؛ ثالثاً تمامی تصمیم‌گیری‌ها و خط-مشی‌گذاری‌های خرد و کلان، خردمندان و دانش‌بنیان خواهد بود. تصمیماتی که بر علم امام، خردمندی و مقام فرقان کارگزاران و مشارکت عمومی استوار است؛ رابعاً، در همه مراحل خط-مشی‌گذاری، اصالت با مجریانی است که صاحب علم، تقوا، بصیرت، سعه صدر، شجاعت و در یک کلام دارای اجتهاد اجرایی هستند. وجود این کارگزاران، به اجرای موفقیت آمیز خط-مشی‌ها و پس از آن، به ارزیابی و نظارت دقیق‌تر بر آن‌ها کمک خواهد کرد. با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهادهایی قابل طرح است.

۲. مدل‌های خطمشی‌گذاری عمومی

تصمیم‌گیرندگان در فرایند خطمشی‌گذاری، کوشش می‌کنند با استفاده از مدل‌های مختلف به راه‌حل مطلوب دست یابند و آن را به سادگی مورد آزمون قرار دهند. مدل‌های خطمشی‌گذاری تقریباً در تمامی منابع موجود (داخلی و خارجی) به صورت مشابه ذکر شده‌اند. مثلاً هاوالت و همکارانش (۲۰۰۹)، به‌طور کلی مدل‌ها را به چند دسته، شامل مدل‌های «عقلایی»، «تدریجی» و «سطل زباله» تقسیم‌بندی می‌کنند (هاوالت، رامش و پرل، ۲۰۰۹: ص ۱۴۲-۱۵۸). الوانی و شریف زاده (۱۳۹۳). مدل‌ها را در قالب استعاره خطمشی بیان



می‌کنند. مثلاً خط‌مشی‌گذاری به مثابه یک «بازده نهادی» (مدل نهادی)، خط‌مشی‌گذاری به مثابه «فعالیت سیاسی» (مدل فرآیندی)، خط‌مشی به مثابه «کسب حداکثر منافع اجتماعی» (مدل عقلایی)، خط‌مشی‌گذاری به عنوان «انتخابی عقلایی در شرایط رقابتی» (مدل نظریه بازی‌ها) (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ص ۱۹-۶۳) (الوانی، ۱۳۸۷: ص ۴۲-۸۶). توماس دای (۲۰۱۳) در کتاب «درک سیاست‌گذاری عمومی»، مدل‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی را از منظر مدل‌هایی همچون «نهادگرایی»، «فرآیندی»، «تغییرات تدریجی»، «گروهی»، «نخبگان» و «نظریه بازی‌ها» مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است (دای، ۱۹۷۹: ص ۳۲-۱۵). قلیپور و غلام‌پور آهنگر (۱۳۸۹) در ذکر انواع مدل در کتاب خود با عنوان «فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران»، به بررسی مدل‌هایی، نظیر «تعقل‌گرایی»، «رضایت‌بخش»، «ترکیبی» و «تغییرات تدریجی» پرداختند (قلیپور و غلام‌پور، ۱۳۸۹: ص ۸۱-۹۱). لستر و استوارت (۱۳۸۰) در کتاب «فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی؛ رویکردی تکاملی»، به بررسی مدل‌ها و مطالعات خط‌مشی‌عمومی پرداختند. آن‌ها مدل‌های نخبه‌گرایی و جامعه مرکب را تحلیل کرده‌اند (لستر و استوارت، ۱۳۸۰: ص ۵۹-۸۲). الماسی (۱۳۹۳) نظریه‌ها و مدل‌هایی، نظیر «نظریه خواص»، «نظریه انتخاب منطقی» و «نظریه نظام» را معرفی کرده است (الماسی، ۱۳۹۳: ص ۸۱-۱۱۰). دانش‌فرد (۱۳۹۳) نیز به بیان مدل‌های مختلفی، نظیر «مثلث آهنین»، «خوشه‌های قدرت»، «پادشاه و پادشاه‌سازان» پرداخته است (دانش‌فرد، ۱۳۹۳: ص ۵۲-۷۱).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی «آمیخته» (کیفی و کمی) و ماهیتی «اکتشافی» انجام پذیرفته است. برای این پژوهش که در دو فاز متوالی انجام شده است؛ در فاز نخست (کیفی) تکنیک نظریه‌پردازی داده بنیاد، برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و در فاز بعدی (کمی) از تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری برای تأیید و برازش مدل پارادایمی فاز نخست، استفاده شده است. مهم‌ترین ابزارهای این پژوهش، مصاحبه‌های ساختاریافته از هیجده تن از خبرگان در فاز کیفی و پرسشنامه محقق‌ساخته در فاز کمی می‌باشد. برای مصاحبه از هفت سؤال که منبعث از مطالعه ادبیات تحقیق بوده و به تأیید خبرگان رسیده بود؛ استفاده شده است. نتایج تحقیق به منظور پاسخ به سؤالات به شکل‌گیری مدل خط‌مشی-گذاری موعودگرا منجر گردیده که تحت آن مفهوم‌شناسی خط‌مشی، فرایند خط‌مشی‌گذاری و

شکل حکومت (سؤال ۱)، مسئله‌شناسی در خطمشی‌گذاری (سؤال ۲)، شکل سازمان‌ها و بوروکراسی اداری (سؤال ۳) و سبک حل مسئله، خطمشی‌گذاری و تصمیم‌گیری (سؤال ۴)، مطرح شده است. همچنین در قسمت بعد شاخص‌های ارزیابی گزینه خطمشی‌ها (سؤال ۵)، روش‌های اجرایی خطمشی‌گذاری (سؤال ۶) و راهبردهای ایجاد قرابت به عصر ظهور و بسترسازی آن در (سؤال ۷) مطرح شده است. از مدل پارادایمی، ۵۳ سؤال به صورت پرسشنامه بسته با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طرح شده است که جهت تأیید نهایی مدل ساختاری مرحله کیفی، به ۱۷۸ نفر از استادان مدیریت، مدیریت اسلامی، آینده‌پژوهی و خطمشی‌گذاری؛ استادان حوزوی با تخصص آینده‌پژوهشی دینی و مهدویت و مجریان و خطمشی‌گذاران در قوه مقننه و شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، به روش نمونه‌گیری نظری (نظریه داده‌بنیاد)، مراجعه شده است. تعداد مشارکت‌کنندگان در فاز کیفی، هیجده نفر از خبرگان و صاحب‌نظران شناخته‌شده و در دسترس از حوزه‌های تخصصی خط-مشی‌گذاری، مهدویت و آینده‌پژوهی بوده که این افراد به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شده‌اند. به این ترتیب که از افراد مطلع خواسته می‌شد، برای مصاحبه‌های بعدی، افراد متخصص و آشنا به موضوع این تحقیق را معرفی کنند. به این ترتیب از این تعداد شش نفر از مشارکت‌کنندگان جزء خطمشی‌گذاران و یا استادان حوزه خطمشی‌گذاری عمومی، هشت نفر جزء متخصصان حوزه مهدویت و چهار نفر آینده‌پژوهی دینی با تخصص مدیریت اسلامی و آینده‌پژوهی مهدوی هستند. در خلال مصاحبه در پانزدهمین نفر به اشباع نظری رسیده‌ایم. در جدول زیر شماره مصاحبه‌شوندگان و گروه مربوط به هر کدام نشان داده شده است:

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

گروه مشارکت‌کننده	شماره مصاحبه	مدت مصاحبه (دقیقه)
متخصصان حوزه آینده‌پژوهی و مدیریت اسلامی	۲-۴-۵-۱۲	۳۷۶
متخصصان و پژوهشگران خطمشی‌گذاری	۱۰-۷-۸-۱۳-۱۴-۱۸	۵۱۰
متخصصان حوزه مهدویت	۱-۲-۳-۶-۱۱-۱۵-۱۶-۱۷	۵۶۸

مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار Atlas.ti انجام پذیرفته است و برای اعتباریابی نتایج با توجه به دیدگاه‌های گل‌افشانی (۲۰۰۳)؛ جانسون (۱۹۹۷) و پاتون (۲۰۰۲)

از سه روش کثرت‌گرایی شامل «کثرت‌گرایی در شیوه». (بازآزمون روش اجرای کار)، «کثرت‌گرایی در پژوهشگر» (آزمون قابلیت اطمینان بین کدگذاران) و «کثرت‌گرایی مشارکت‌کننده» (استفاده از مصاحبه‌شوندگان جدید برای آزمون قابلیت اطمینان مدل) برای تأیید اعتبار مدل کیفی پژوهش حاضر بهره‌گیری شده است. به‌منظور اعتبار کثرت‌گرایی در مشارکت‌کننده، فرایند پژوهشی و پروتکل اجرای تحقیق به صورت کامل برای پنج نفر از افراد جدید و با ویژگی‌های مشابه تکرار شد و نتایج مشابهی به دست آمد. برای محاسبه درصد اعتبار بازآزمون پژوهش در بین مصاحبه‌شوندگان جدید، گُدهای مشخص‌شده در دو آزمون با هم مقایسه شدند (۸۶٪ نمره اعتبار بازآزمون شده است). برای محاسبه پایایی بازآزمون روش اجرای کار، از بین مصاحبه‌های انجام‌گرفته چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب گشته و هرکدام از آن‌ها در فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کُدگذاری می‌شود. سپس گُدهای مشخص‌شده در دو فاصله زمانی برای هرکدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه می‌شوند. عدد ۸۳٪ برای نمره پایایی بازآزمون نشان از اعتبار بالای فاز کیفی است.

برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک دانشجوی مقطع دکتری مدیریت درخواست شد به عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت‌کند و سپس آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم به منظور کُدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، سه مصاحبه را کُدگذاری کرده و درصد توافق بین کُدگذاران که به عنوان سومین شاخص اعتبارسنجی تحلیل به کار می‌رود. نمره حاصل (۸۵٪) نشان از پایایی مناسب این روش می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و با توجه به تعداد نمونه (زیر ۲۰۰ نفر) از مدلسازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی در نرم افزار Smart.Pls استفاده شده است. همچنین برای تعیین اعتبار ابزار پرسشنامه محقق ساخته در فاز کمی، از تحلیل عاملی اکتشافی بهره‌گرفتیم که نتایج گویای اعتبار مناسب تمامی گویه‌های پرسشنامه است و تمامی اعداد حاصل از تحلیل عاملی ۵۳ سؤال پرسشنامه، بیش از ۰/۴ بوده است.

۱. یافته‌های پژوهش

فاز کیفی (مدل پارادایمی)

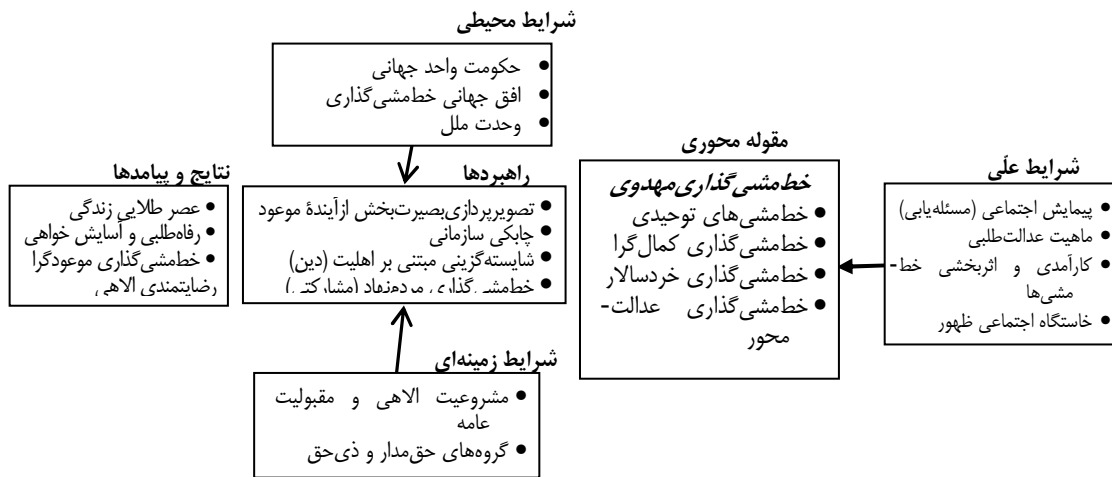
داده‌های مصاحبه‌ها، به دقت مطالعه، بررسی و تحلیل شد. در مجموع، فراوانی کل واژه‌های به‌کاررفته در ۱۸ مصاحبه پژوهش برابر ۲۵ هزار و ۸۱۵ واژه بود. با استفاده از امکان سنجش فراوانی واژگان که در نرم‌افزار (Atlas. ti) وجود دارد؛ فراوانی واژه‌های به‌کاررفته در مصاحبه‌های پژوهش اندازه گرفته شده است. در ادامه به داده‌هایی که مشابه یکدیگر بودند، مفاهیمی متناسب اختصاص داده شده است. به عنوان مثال با بررسی نقل‌قول زیر، مفهوم «خطمشی‌گذاری توحیدی (متعالی) و حاکمیت آموزه‌های دینی» استخراج شدند:

در بحث مهدویت تأکید بر این است که اساس حاکمیت بر آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد. بنابراین، قطعاً یک حکومت دینی خواهد بود و فاکتورهایی که در آن لحاظ می‌شود، تماماً فاکتورهای دینی است. نه فقط اسلام که بحث مهدویت را مطرح می‌کند، بلکه اغلب کسانی که جامعه‌ای آرمانی و موعود را بشارت می‌دهند، محوریت آن جامعه و اداره و مدیریت آن جامعه را بر عهده یک رهبر دینی گذاشتند و آن را به عنوان محور مدیریت و حاکم جامعه معرفی کرده‌اند. ما معتقد هستیم که اصرار در خطمشی‌گذاری این نظام، بر پایداری به آموزه‌های وحیانی است.

در نقل‌قول مذکور، از اشارات پاسخ‌دهنده در مورد نوع حکومت، و سیستم تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری آن، برچسب «خطمشی‌گذاری توحیدی» استخراج شده است. بقیه مفاهیم طبق همین روال استخراج شده‌اند. پس از بررسی داده‌ها، برچسب‌زنی به رویدادها و وقایع و سپس استخراج مفاهیم؛ هریک از این مفاهیم با یکدیگر مقایسه شدند تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مشخص شود. این کار برای تشکیل مقوله‌ها صورت پذیرفت. به عنوان مثال، محقق با مقایسه مفاهیم مختلف، دریافت که مفاهیم «خطمشی‌گذاری اطلاعات محور» و «خطمشی-گذاری غیرشهودی و عقلایی» به یک چیز اشاره دارند؛ این که خطمشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی در آینده موعود به سازکارها و رویه‌هایی نیازمند است که فراگرد خطمشی‌گذاری را طوری تنظیم کند که تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری اصولی و دانش‌بنیان، جای خطمشی-های سلیقه‌ای و نامطمئن را بگیرد. با توجه به این مطلب، محقق از هر دو مفهوم مذکور، مقوله «خطمشی‌گذاری خردسالار» را استخراج کرده است. این مفهوم، در سطح بالاتری از

مفاهیم مذکور است و هر دو مفهوم مذکور را پوشش می‌دهد. دیگر مقوله‌ها نیز به این‌گونه استخراج شده‌اند. در مجموع ۲۳ مقوله، ۶۷ مفهوم و ۱۵۹ کد اولیه شناسایی و استخراج شده‌اند.

با استفاده از رویکرد نظریه‌ زمینه‌ بنیاد، مقوله محوری در نظریه خطامشی گذاری حکومت- اسلامی در آینده موعود، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر (محیط دور)، شرایط زمینه‌ای (محیط نزدیک)، راهبردها و پیامدهای ناشی از این راهبردها شناسایی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها، طی سه مرحله کدگذاری باز (خلق مفاهیم و مقوله‌ها)، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (خلق نظریه) انجام گرفت. با تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه، در پژوهش حاضر چارچوب مدل خطامشی گذاری حکومت اسلامی در جهت آینده موعود استخراج گردید. در این چارچوب، مقوله «خطامشی گذاری مهدوی» شامل خطامشی گذاری «توحیدی»، خطامشی گذاری «کمال‌گرا»، خطامشی گذاری «خردسالار» و خطامشی گذاری «عدالت‌بنیان» به عنوان مقوله محوری در نظریه فرایند خطامشی گذاری حکومت موعود در نظر گرفته شد. دلیل انتخاب این مقوله‌ها، به عنوان مقوله محوری این است که به راحتی می‌توان مشاهده کرد که به نوعی در تمامی مصاحبه‌ها، رد پایی از این مفاهیم دیده می‌شود. به دیگر سخن، اغلب مشارکت-کنندگان اشاره کردند که خطامشی گذاری ناب که در این‌جا به «خطامشی گذاری مهدوی» تعبیر می‌شود؛ روش‌ها و سازکارهای متفاوتی دارد که بعضاً با فراگرد فعلی خطامشی گذاری در حکومت‌های اسلامی متفاوت است. عدالت‌محوری، کمال‌جویی، خردسالاری و دیدگاه توحیدی خطامشی گذاری مهدوی را از سیستم خطامشی گذاری فعلی متمایز می‌کند. بنابراین، این مقوله «خطامشی گذاری مهدوی» و زیرشاخه‌های آن را می‌توان به عنوان مقوله محوری برگزید، تا جامعیت و ظرفیت انتزاعی‌تر بودن آن، برجستگی برای دیگر مقوله‌ها باشد.



شکل ۱: مدل پارادایمی خط‌مشی‌گذاری در حکومت واحد جهانی (اتوپای اسلامی)

۲. فاز کمی پژوهش (برازش مدل)

در این مرحله پرسشنامه‌ای تهیه شده و پس از توزیع و جمع‌آوری آن، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته ایم. فرضیه‌های اصلی که به دنبال پاسخ به آن‌ها هستیم، این است که اولاً، هر کدام از مقوله‌ها (شرایط علی، مقوله اصلی، شرایط زمینه، شرایط محیطی، راهنماها و نتایج) با یکدیگر چه ارتباطی دارند و ثانیاً، ارتباط هر کدام از مؤلفه‌ها در درون هر مقوله چگونه است. برای این کار از ۵۳ سؤال پرسشنامه، با توجه به مدل پارادایمی پنج فرضیه مختص ارتباط بین مقوله‌ها است و ۲۳ فرضیه با توجه به تعداد مفاهیم مربوط به ارتباط مفاهیم گنجانده شده که در شش مقوله اصلی مطرح شده است. در جدول (۵) نمونه‌ای از نتایج برازش مدل و همچنین اعداد بارهای عاملی اکتشافی مشاهده می‌شود:

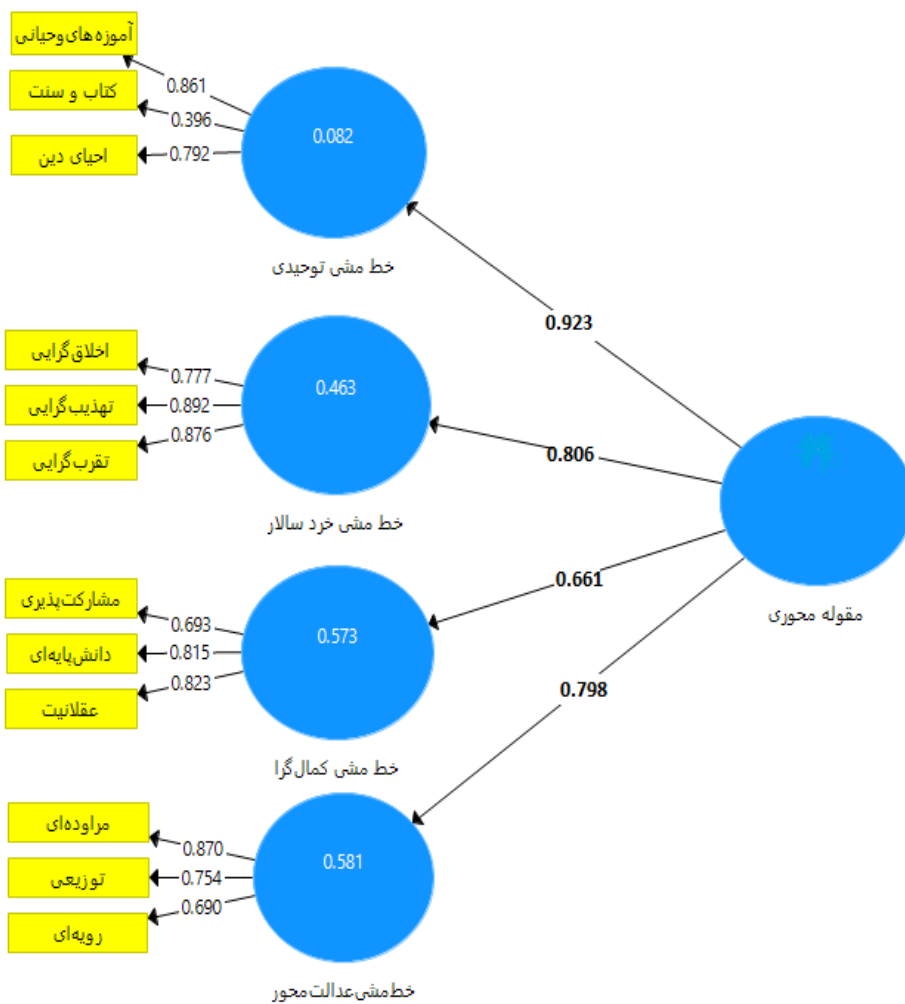
جدول ۵. خلاصه نتایج برازش اندازه‌گیری مقوله اصلی و بارهای عاملی آن

کیفیت مدل	روایی همگرا (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	بارهای عاملی	معرفها	متغیر مکنون
				۰/۸۹۶	TP ₁	
۰/۶۲۹	۰/۸۱۱	۰/۸۵۷	۰/۹۰۶	۰/۸۲۷	TP ₂	خط‌مشی‌گذاری
				۰/۸۴۷	TP ₃	توحیدی
				۰/۸۱۱	TP ₄	
۰/۴۱۱	۰/۸۱۲	۰/۷۹۲	۰/۸۴۱	۰/۸۰۹	RP ₁	خط‌مشی‌گذاری

خردسالار	RP ₂	۰/۸۵۷				
	RP ₃	۰/۸۴۱				
	RP ₄	۰/۸۷۲				
خطمشی گذاری کمال گرا	EP ₁	۰/۸۰۷				
	EP ₂	۰/۸۲۳	۰/۸۰۵	۰/۸۹۷	۰/۸۱۵	۰/۵۰۷
	EP ₃	۰/۸۷۹				
خطمشی گذاری عدالت محور	JP ₁	۰/۸۱۲				
	JP ₂	۰/۸۲۴				
	JP ₃	۰/۸۲۷	۰/۷۹۸	۰/۹۲۰	۰/۷۴۱	۰/۴۲۱
	JP ₄	۰/۸۵۳				
	JP ₅	۰/۸۷۱				

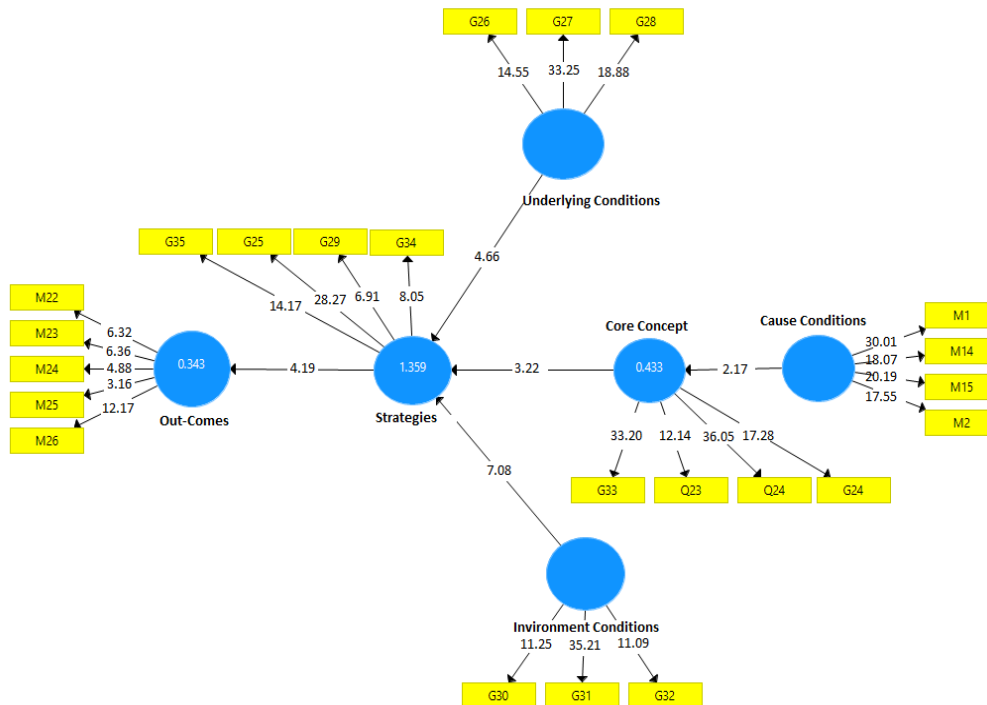
در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود که کلیه شاخص‌های برآزش مقوله اصلی، به‌خوبی برآورده شده‌اند. با توجه به این که بارهای عاملی معنادار هستند (مقادیر بالای ۰.۵) و همچنین میانگین واریانس استخراج شده از ۵٪ بزرگ‌تر است و پایایی ترکیبی نیز از میانگین واریانس استخراج شده بزرگ‌تر است؛ می‌توان نتیجه گرفت که روایی افتراقی برقرار است. کیفیت مدل نیز با توجه به مقادیر بزرگ‌تر از صفر، تأیید می‌شود.





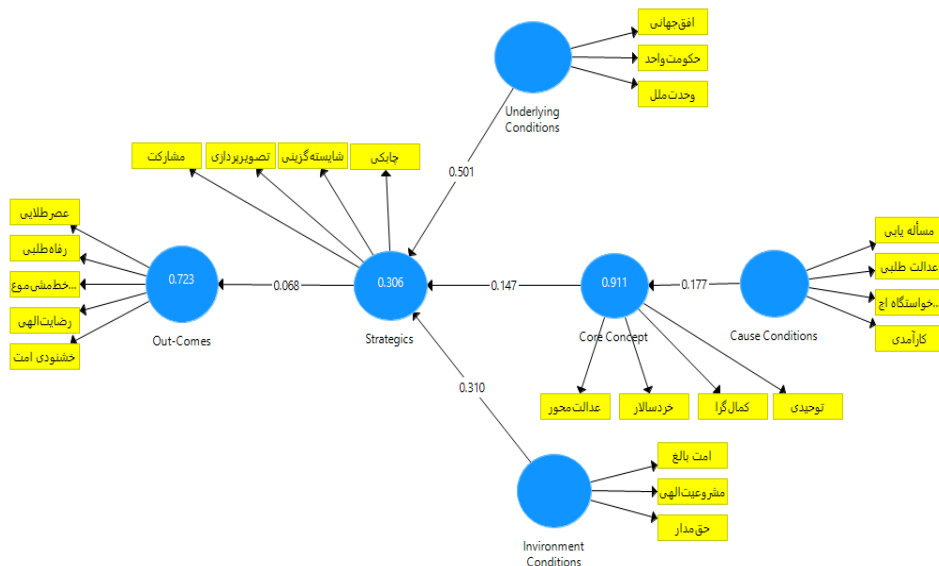
شکل ۲. سازه مقوله اصلی

نگاره ۲ نیز گویای از تأیید ارتباط مفاهیم در مقوله اصلی است. همچنین ضریب R^2 نشان از تأثیرپذیری هر کدام از این مفاهیم از مقوله اصلی دارد. خط مشی کمال گرا با ۵۷٪ ضریب اثرپذیری، بیشترین تأثیر را از مقوله محوری به خود اختصاص داده است.



شکل ۳. مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت معناداری

همان‌طور که در نگاره ۳ قابل مشاهده است، تمامی اعداد از عدد معنادار (۱/۹۶) بیش‌تر شده است و تمامی فرضیه‌ها (ارتباط بین مقوله‌ها و ارتباط مفاهیم با مقوله‌ها) تأیید می‌شوند. در نگاره ۴ که مدل پژوهش در حالت R^2 است، ملاحظه می‌شود که ۷۲ درصد از تغییرات مقوله پیامدها و نتایج مدل پارادایمی تحت تأثیر مقوله‌های راهبردها و دیگر مقوله‌ها است.



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت R^2

با توجه به این که نرم افزار پی ال اس همانند سایر نرم افزارهای معادلات ساختاری دارای برازش نیست؛ بررسی کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری، به منظور پی بردن به برازش مناسب مدل‌ها، لازم می‌باشد که در جدول زیر نتایج آن گزارش شده است:

جدول ۶. نتایج آزمون کیفیت مدل

ردیف	ابعاد	کیفیت مدل اندازه‌گیری	کیفیت مدل ساختاری	کیفیت کل مدل (GOF)
۱	مقوله شرایط علی	۰/۴۱	-	-
۲	مقوله محوری (اصلی)	۰/۲۸	۰/۲۲	۰/۳۶
۳	مقوله زمینه‌ای	۰/۳۲	۰/۲۴	۰/۳۷
۴	مقوله محیطی	۰/۳۸	۰/۲۵	۰/۳۹
۵	مقوله راهبردها	۰/۴۴	۰/۲۶	۰/۳۶
۶	مقوله نتایج	۰/۳۷	۰/۳۱	۰/۳۳

با توجه به جدول (۶) می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت مدل‌های اندازه‌گیری، ساختاری و کل مدل مورد تأیید است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقادیر کیفیت مدل اندازه‌گیری و ساختاری، از صفر (مقدار استاندارد) بزرگ‌تر بوده و همچنین مقادیر کیفیت کل مدل، از ۰/۳۰ (مقدار استاندارد) بزرگ‌تر می‌باشند.

پیشنهادها

پیشنهادهای پژوهش حاضر این است که:

۱. سیستم‌های خطمشی‌گذاری کشورهای اسلامی و دولت‌ها، به سمت خطمشی‌گذاری مهدوی هدف‌گذاری شود. این نظام منطقی (خطمشی‌گذاری مهدوی) می‌تواند به مثابه طراحی سیستم خط-مشی‌گذاری مورد نظر حکومت‌های اسلامی، به ویژه ایران قرار گیرد. سیستم خطمشی‌گذاری در این کشورها، پس از بازمهندسی و بازآفرینی، باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن تعهد به حفظ خود، بتواند پاسخگوی شرایط و مقتضیات متفاوت باشد و هوشمندانه در سیری یادگیرنده و کمال‌جویانه، به صورت اقتضایی با شرایط مواجه شود. بدیهی است مبانی ارزشی و اعتقادی حاکم بر سیستم، از عمده‌ترین الزامات حفظ هویت آن محسوب می‌شوند. بنابراین، نظام منطقی طراحی سیستم خط-مشی‌گذاری این کشورها می‌تواند بر این الزامات مبتنی باشد.
۲. کشورهای اسلامی و حکومت‌های معتقد به مهدویت، برای دستیابی به آرمان‌های مهدوی در خطمشی‌گذاری، باید آموزه‌های وحیانی، نص صریح قرآن کریم و همچنین سنت نبوی و علوی را پایه‌های خطمشی‌گذاری خود بدانند. خطمشی‌های آن‌ها باید نشان‌دهنده حضور عینی دین در عرصه‌های اجتماعی باشد. توجه به ابعاد وجودی انسان در عرض تمرکز بر جنبه‌ی الهیّت انسان موحد، تصمیم‌گیری‌ها و خطمشی‌گذاری‌های الهی را با مشارکت مردم، به تصمیمی ممتاز، سالم، بی‌عیب و متعالی تبدیل خواهد کرد که برآورنده‌ی تمامی نیازهای فطری و شئون حیات مادی امت اسلامی خواهد بود.
۳. در این پژوهش بر اساس دیدگاه خبرگان مشخص شده است که هر اندازه جامعه و امت اسلامی و در رأس آن‌ها کارگزاران و خطمشی‌گذاران حکومت اسلامی به سمت آموزه-های دینی و وحیانی گرایش یابند، خطمشی‌های کارآمدتر و اثربخش‌تری تدوین خواهد شد که به سبب انطباق آن‌ها با فطرت و نیاز اساسی جامعه، بالطبع اجرای آن نیز با کم‌ترین مشکلات مواجه خواهد شد. به سبب اخذ تصمیم‌ها و تدوین خطمشی‌های عقلایی و خردسالارانه در کشورهای اسلامی، باید فضای اطلاعاتی بسیار شفاف داشته باشیم و حکومت‌ها تلاش کنند آگاهی فردی و گروهی جامعه به مراتب افزایش یابد. در نتیجه شرایط چنین اقتضا می‌کند که کم‌تر از تصمیم‌گیری‌های شهودی و اشراقی استفاده شود و عمدتاً خردمندی و عقلانیت چراغ راه کارگزاران در حوزه خطمشی‌گذاری قرار گیرد. خطمشی‌ها زمانی کارآمد و اثربخش خواهند بود که مبتنی بر فراگرد عقلانیت پاک انسان الهی شکل گرفته باشد.

۴. خطمشی‌های کمال‌گرا در کشورهای اسلامی، باید با موازینی همچون تربیت‌گرایی، معنویت‌گرایی، اخلاق‌مداری، تهذیب‌گرایی، تقرب‌گرایی محک زده شوند. این نوع خطمشی-گذاری در حکومت‌های اسلامی گویای نوعی خطمشی‌گذاری با دیدی کاملاً نوگرایانه است. خطمشی‌های کمال‌گرا در کشورها، توجه به ابعاد وجودی انسان را لازمه سیر معرفتی و حیاتی امت اسلامی می‌دانند. نشاط معنوی امت اسلامی زمانی به دست می‌آید که اخلاق و ارزش‌های کمال‌جویانه کارگزاران و تصمیم‌گیرندگان حکومت در خطمشی‌گذاری و اجرای دستورالعمل‌ها دیده شود. مناسبات حکومت اسلامی در پرتو آینده موعود می‌تواند طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که امت اسلامی مسئله‌ای جز رشد و تعالی خود احساس نکند و شئون مادی و حیات طبیعی خود را تنها عرصه‌ای موقت برای حرکت به سمت معارج و مدارج عالی انسانی بداند. ایجاد اشتیاق در مردم برای حرکت به سمت جامعه عدل مهدوی، در پرتو تصویرپردازی ناب از جامعه منتظر اتفاق می‌افتد.

۵. خطمشی‌گذاران و کارگزاران حکومت‌های اسلامی، باید تصویری واضح، روشن و محرکی از جامعه موعود داشته باشند تا بتوانند معیارهای تصمیم‌گیری در عصر موعود را در جامعه کنونی خود نهادینه کنند. لذا ارائه تصویر زیبایی جامعه و شهر عدل مهدوی، در کنار معرفی سبک خطمشی‌گذاری و تصمیم‌گیری و اهداف حکومت حضرت حجت^(ع) کمک می‌کند تا هدف‌گیری و جهت‌گیری برنامه‌ها و خطمشی‌های فعلی کشورها و دولت‌های اسلامی، به سمت مهدویت و تفکر ناب موعودگرایی آخرالزمانی سوق پیدا کند. تنوربزه کردن اصل «ولایت» و «امامت» نیز با کمک‌گیری از تصویرپردازی درست و دقیق از مدینه فاضله موعود، به انقلاب فکری و تغییر نگرش به سمت خطمشی‌های ناب منجر خواهد شد.

۶. اجرای کارآمد و اثربخش خطمشی‌های حکومتی در کشورهای اسلامی نیازمند سازمان‌های چابک و پویا است. از بین رفتن کژکارکردهای بوروکراسی، حذف سازمان‌های زاید، متناسب‌سازی اندازه دولت، ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و اقتضایی؛ همگی از ویژگی‌های حکومت مهدوی است. در نتیجه اگر بخواهیم در جهت تحقق شهر عدل مهدوی حرکت کنیم، دیگر بوروکراسی‌های عظیم‌الجثه کارایی ندارند و به جای آن، دولت‌ها باید به سمت اجرای خطمشی‌ها با ابزارهای جایگزین، نظیر سازمان‌های ادھوکراسی^۱ شبکه‌های اجتماعی، خدمات الکترونیک پیش بروند.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاورد این تحقیق آن است که به خطمشی‌گذاران، سیاست‌مداران، مدیران، کارگزاران، خبرگان و جامعه علمی مرتبط با مسائل خطمشی‌گذاری، این نکته را یادآور می‌شود که «تفکر ناب مهدویت»، هم رویکرد و بستری بکر، ناب و الاهی برای استقرار نظام ارزش و نگرشی مدیریتی بر مبنای خطمشی‌های مهدوی است و هم مدل‌سازی خطمشی‌گذاری بر مبنای این تفکر باشد. بر اساس نتایج این پژوهش، «عدالت‌محوری» از شقوق غیر قابل اجتناب خطمشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر مهدویت است. عدالت و برابری مفهومی صرفاً انتزاعی و کلی نیست. عدالت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و جنبه‌های رفتاری آن، می‌تواند به‌طور کاملاً عینی در خطمشی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کارگزاران متبلور باشد. «خطمشی‌گذاری کمال‌گرا»، یافته دیگر این پژوهش است. جامعه موعود قرآنی در پرتو «خطمشی‌گذاری کمال‌گرا» باید مترصد انتخاب مسیرهای مفید و مناسب در خطمشی‌گذاری باشد، تا در آن حق افراد محترم شمرده شود و امکان رشد و کمال مکارم اخلاقی برای همگان فراهم گردد. یکی از مفاهیم مستخرج در این پژوهش، مفهوم اصیل خطمشی‌گذاری از منظر «خطمشی‌های مهدوی» است. با توجه به تعریف‌های ارائه شده در متون خطمشی‌گذاری، می‌توانیم به استناد نتایج این پژوهش و رویکردهای احصا شده از خبرگان این تحقیق، تعریف خطمشی‌گذاری مهدوی را از سه منظر «معرفت‌شناسی»، «هستی‌شناسی» و «شناخت‌شناسی» ارائه کرد. از منظر «معرفت‌شناسی»، در خطمشی‌گذاری مهدوی شناخت افراد و کسب اطلاعات درباره گزینه‌های خطمشی، از طریق جستارگری فردی و مشارکت گروهی انجام می‌پذیرد. از نگاه «هستی‌شناسی»، خطمشی‌های مهدوی، خطمشی‌هایی مبتنی بر فطرت و برخاسته از متن آموزه‌های وحیانی و سنت اهل بیت علیهم‌السلام است. این خطمشی‌ها به منظور حل مسائل و معضلات مادی و اخروی مردم شکل می‌گیرد و جز به سعادت دنیا و آخرت امت اسلامی به چیزی نمی‌اندیشد و نهایتاً خطمشی‌های مهدوی از دید «روش‌شناسی»، به این مسئله می‌پردازد که چگونه پژوهشگر باید شناختنی را بشناسد.



منابع

۱. الماسی، حسن (۱۳۹۴). *فرآیند خط‌مشی‌گذاری سبزه؛ سیاست، تحلیل‌ها و انتخابات*، تهران، انتشارات سپاهان.
۲. الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۵). *فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران، انتشارات علامه طباطبایی.
۳. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۸). *تصمیم‌گیری و تعریف سیاست‌های دولت*، تهران، انتشارات مهربان.
۴. پورعزت، علی‌اصغر (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، «*تصویرپردازی از آینده، استراتژی اقدام در نظام‌های اجتماعی*»، سخن سمت، تهران، شماره ۱۰.
۵. پورعزت، علی‌اصغر و الوانی سید مهدی (تیر ۱۳۸۳). *مبانی منطقی طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت‌حق‌مدار*، فصلنامه دانشور رفتار، شماره ۵.
۶. دانش‌فرد، کرم‌الله (۱۳۹۴). *فرآیند خط‌مشی‌گذاری*، تهران، انتشارات صفار.
۷. دانایی‌فرد، حسن و زنگویی نژاد، ابوذر (سال ۱۳۸۸). «*تئوری مدیریت شایستگی بر مبنای استراتژی داده‌بنیاد: ادراکی از نهج البلاغه*»، فصلنامه دانشور رفتار، ۱۸(۱).
۸. ساباتی، پل (۱۳۹۴). *تئوری‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، مترجم: حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات صفار.
۹. شریف‌القریشی، باقر (۱۳۸۰). *سیستم دولت و اداره حکومت در اسلام*، مترجم: عباس سلطانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. قلیپور، رحمت‌الله و فقیهی، مهدی (۱۳۹۴). «*سیاست‌ها و تحلیل خط‌مشی‌های عمومی*»، تهران، انتشارات مهکامه.
۱۲. قلیپور، رحمت‌الله و غلامپور آهنگر، ابراهیم (۱۳۹۰). *فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران*، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس.
۱۳. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۱۴. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴). *اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام*، تهران، انتشارات راه دانش.
۱۵. نبوی، سید حسن (۱۳۹۲). *مدیریت اسلامی*، قم، انتشارات بوستان کتاب.
16. Dunn, William N. (1998). "Methods of the Second Type: Coping With the Wilderness of Conventional Policy Analysis", *Policy Studies Review*, Vol (7), No (4); pp 720-737.
17. Dye, T. (2013). "Understanding Public Policy (14th ed.)", Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

18. Fischer F. and Miller G. and Sidney (2007). "Handbook of Public Policy Analysis; Theory, Politics, and Methods", CRC Press, Boca Raton London New York.
19. Haynes, Jeffrey, (2015), "Religion, 'soft power' and foreign policy making in the USA, India and Iran", Governance and International Relations journal, 11, 4; pp 1-21.
20. Hogwood, B. W., & Gunn, L. (1984), "Policy Analysis for the Real World", Oxford, UK: Oxford University Press.
21. Howlett, M. & Ramesh, M. and Perl A. (2009), "Study Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems", Ontario: Oxford University Press.
22. Inayatullah, Sohail, (2002), "Framing the shape and time of the future", Futures, 23, 465-253.
23. Jenkins, W. (1978), "Policy Analysis: Apolitical and Organizational Perspective". London: Martin Robertson.
24. Novaky, E., (2007), "Responsibility for the Future", Journal of Futures Studies, 12(2): 101 – 110.
25. O' Neill, L., J. (2004), "Faith and decision-making in the Bush presidency: The God elephant in the middle of America's living-room", Special Double Issue Journal, Vol. 6, No. 1, pp, 149-156.
26. Osborne, Stephen P. (2010), "the (New) Public Governance: A Suitable Case for Treatment? In S.P.", The New Public Governance, LONDON: Rout ledge.
27. Parsons, Kurt R. (2007), "A Study of Religouce Faith and the Ethical Decision Making Prosses", Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in Leadership and Human Resource Development.
28. Sardar, Ziauddin (2010), "The Namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic;
29. Foresight:What's in a name?", Futures, 42, 177-184.
30. Simon, C. A. (2007), "Public Policy: Preferences and Outcomes", New York: Pearson Longman.

31. Smith, K. B., & Larimer, C. W. (2009), "The Public Policy Theory Primer", Boulder, CO: Westview.
32. Schmidt, Vivien A. (2008), "Discursive Institutionalism: The Explanatory Power of Ideas and Discourse", *Annual Review Political Science*, 11: pp 303-326.
33. Schwarz, J.O., (2007), "Assessing the future of futures studies in management", *Futures*, 18 (8), 108-131.
34. Tapio P. and Hietanen O., (2002), "Epistemology and public policy: using a new typology to analyse the paradigm shift in Finnish transport futures studies", *Futures*, 34, 597-620.
35. Taslimi, M. Saeed (2014), "Policy Analysis and Decision Process Analysis", Samt Publication, (in Persian).
36. Vasconcelos, A., F. (2009), "Intuition, prayer, and managerial decision-making processes: a religion-based framework", *Management Decision*, Vol. (47), No. (6), pp 930-949.
37. Wilson, R. (2006), "Policy Analysis as Policy Advice. In M. Moran, M. Rein & R. E. Goodin (Eds)", *The Oxford Handbook of Public Policy* (pp. 152-168). New York, NY: Oxford University.
38. Dye, Thomas R. (1995), "Understanding Public Policy", Eight Edition, New Jersey, Prentice Hall, Englewood Cliffs.
39. Corbin, J., & Strauss, A. (2007). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
40. Creswell, J. (2012). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (4th ed.). Pearson.
41. Golafshani, N. (2003). *Understanding Reliability and Validity in Qualitative Research*. *The Qualitative Report*, 8(4), 597-607.
42. Ghoshal, Sumantra (2005), "Bad Management Theories Are Destroying Good Management Practices", *Academy of Management Learning & Education*, Vol. 4, No. 1, 75-91.

43. Johnson, B. (1997). Examining the validity structure of qualitative research. *Education*, 118(3), 282-292.
44. Kvale, S. (1996). *Interviews: An Introduction to qualitative research interviewing*. Thousand Oaks, CA: Sage.
45. Lincoln, Y., & Guba, E. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
46. Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *beginning qualitative research: A Philosophic and practical guide*. London: The Falmer Press.
47. Patton, M. (2002). *Qualitative evaluation and research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.
48. Stenbacka, C. (2001). Qualitative research requires quality concepts of its own. *Management Decision*, 39(7), 551-555.